

Collation of the Doctrine of Legitimate Expectations and Asala al-Zohoor

Seyed Hossein Safaii



Professor, Department of Private and Islamic
Law, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Iran

Danial Bakhoda



PHd student in Private and Islamic Law,
Faculty of Law and Political Science,
University of Allameh Tabatabai, Iran

Abstract

Nowdays, the doctrine of legitimate expectations is considered as one of the most important bases for identifying contractual and non-caaaaaalllll lll sss add iiii gaii..... . nnlaasss gggaal yymmmmmld Imami jurisprudence, there are several rules such as the Esalate Erade Zaheri, Ghaede Ghorour, Delalate Fahva and the principle of the Apparent Authority to some extent provide the purpose of protecting legitimate expectations, but the lack of a general rule in this field is noticeable. Based on this rule, whenever the behavior of a person or a public official creates a reasonable belief in the collective mind of the society, this belief is the basis for establishing a recognized right and

* Corresponding Author: danial.bakhoda@gmail.com

How to Cite: Safaii, S. H., & Bakhoda, D. (2024). Collation of the doctrine of legitimate expectations and Asala al-Zohoor. *Private Law Research*, 12 (46), 1 -32.
۱۰.۲۲۰۵۴/۰۰۰۰۰.۲۰۲۴.۷۸۳۸۸.۲۸۲۰

capable of protection. Therefore, as a prelude to establishing a general rule, the legitimacy of expectations and the permission of trusting to appearances must be proven. In the principles of Islamic jurisprudence, *asala al-zohoor* has a long history for the permissibility of relying on the appearances of people's words, but there is doubt about the inclusion of the principle in appearance regarding the appearance of people's circumstances and actions, especially due to the lack of explicit presentation of this type of appearances in basic books, challenges proving the doctrine of the legitimate expectations. As a general rule in this context, it can be said that if the possibility of a contradiction, which the appearance of the present entails, is created in the mind of the audience after the action according to the preferred belief, the impression created is valid and the resulting expectation is a legitimate expectation. And it is considered worthy of support, especially where the theologian is in the position of creating meaning and concept in the audience's mind. Among legal theorists, it appears that the theory of legitimate trust was first introduced by Emmanuel Lévy as the foundation and purpose of law. According to Lévy's theory, since the foundation of social relations is based on trust and the collective belief of individuals in society constitutes public trust, the law should serve to ensure and protect legitimate collective beliefs. Therefore, these beliefs are the basis for determining the rights and duties of individuals in society. In this view, Lévy believed that the law should be capable of evolving on its own, and when legitimate collective beliefs form the basis of the law, the law can align with societal changes and progress alongside the evolution of collective beliefs.

In Iranian law and Imami jurisprudence, it is evident that while discussions on the philosophy of responsibility are extensively covered

in some texts, the necessity of protecting legitimate trust is not explicitly mentioned. Nevertheless, one can find instances in the language of jurists and legal scholars that indicate support for the damage suffered by a person whose legitimate trust has been violated. An examination of the cases related to these two principles confirms that they were precisely established with the aim of protecting legitimate trust.

The content of the principle of warning (Tahdhir) exempts a person from liability when they have provided the necessary warning to those at risk while engaging in legitimate harmful behavior, even if the injured party fails to understand the warning due to reasons not attributable to the person giving the warning.

By examining instances of the principle of protecting legitimate trust, the following definition can be inferred: Whenever the behavior of an individual or public authority creates a reasonable belief in the collective conscience of society, this belief is recognized as a basis for establishing a right that deserves protection. This protection may take the form of either the non-liability of the person holding the belief or the contractual or non-contractual obligations and liabilities of others toward the person holding the belief. In other words, if a person's behavior creates a reliable appearance and another party, relying on this appearance, acts in a way that does not align with reality, then the person who created the appearance is either bound by the appearance they created and must respect the rights of the other party in accordance with that appearance, or they are obligated to compensate for the

damages resulting from the discrepancy between the appearance and reality.

Keywords: legitimate expectation, asala al-zohoor, appearance, Zahere
aa e e ee h hhhh hhh h aaaaaa





قاعده حمایت از اعتماد مشروع و تطبیق آن با اصل ظهور

سیدحسین صفایی  استاد تمام دانشگاه تهران، تهران، ایران

دانیال باخدا*  دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

امروزه قاعده حمایت از اعتماد مشروع یکی از مهم‌ترین مبانی شناسایی حقوق و تعهدات قراردادی و غیر قراردادی محسوب می‌شود. گرچه در حقوق ایران و فقه امامیه قواعد متعددی از جمله اصالت اراده ظاهری، قاعده غرور، دلالت فحوی و نظریه نمایندگی ظاهری تا حدودی هدف حمایت از اعتماد مشروع را تأمین می‌کند اما، فقدان قاعده کلی در این زمینه با حدود و ثغور و شرایط مشخص، محسوس است. براساس این قاعده هر گاه رفتار یک شخص یا مقام عمومی موجب اعتقاد معقول در ضمیر جمعی افراد جامعه گردد، این اعتقاد مبنایی برای ایجاد حق، شناخته شده و شایسته حمایت است بنابراین به عنوان مقدمه ایجاد قاعده کلی، مشروعیت و جواز اعتماد به ظواهر باید به اثبات برسد. در اصول فقه اصالة الظهور در حوزه الفاظ سابقه طولانی در جهت جواز ابتدا به ظواهر کلام افراد دارد اما، تردید در شمول اصل ظهور درباره ظواهر احوال و اعمال افراد به ویژه به دلیل عدم طرح صریح این نوع ظواهر در کتب اصولی، اثبات قاعده حمایت از اعتماد مشروع را با چالش مواجه می‌سازد. به عنوان قاعده‌ای کلی در این زمینه می‌توان گفت: اگر احتمال خلافی که ظاهر حال به همراه دارد پس از عمل مطابق اعتقاد راجح ایجاد شده در ذهن مخاطب به وجود آید تصور موجود از باب حجیت ذاتی قطع معتبر بوده، اعتماد حاصل از آن اعتمادی مشروع است و شایسته حمایت محسوب می‌شود به ویژه در جایی که متکلم در مقام ایجاد معنا و مفهومی در ذهن مخاطب باشد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد مشروع، اصالة الظهور، ظاهر، ظاهر حال، ظن خاص، ظن معتبر.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که برای بهتر زیستن و تأمین نیازهای خود ناچار به تعامل و ارتباط با دیگران است. در این باره برای همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها نه تنها باید از ضرر رساندن به دیگران اجتناب کنند بلکه، هر فرد نیز باید با احتیاط از خود مراقبت کرده تا خود را در معرض ضرر قرار ندهد. اما، این احتیاط از خود و دیگران تا چه حد باید باشد.

انسان‌ها برای ارتباط با دیگران و گذران امور زندگی به اعتماد به دیگران و ظواهر امور نیاز دارند. زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که انسان‌ها به اقوال و رفتار دیگران و ظواهر امور تا حد معقول و متعارف اعتماد کرده و رفتار خود را بر مبنای همین اعتمادها و اعتقاد اجتماعی استوار سازند.

انسان امروز بیش از پیش برای رفع حوایج و تنظیم برنامه رفتاری خود به اعتماد به دیگران احتیاج دارد، تا حدی که بعضاً افراد ناچار به اعتماد اشخاص یا اموری هستند که کمترین آشنایی با آنها ندارند. لذا حقوق که رسالت تنظیم روابط اجتماعی را دارد نه تنها باید بر این سیره عقلا مهر تأیید زده، از اعتماد مشروع حمایت کند بلکه، باید به گونه‌ای در این راه قدم بردارد که به فتح باب بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی منجر نگردد.

با این حال پاره‌ای قواعد حقوقی و یا مواد قانونی مشاهده می‌شود که ناقض اعتماد مشروع به نظر می‌رسد؛ برای مثال، در ماده ۲۴۹ قانون مدنی درباره معامله فضولی آمده است: «سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی‌شود.» این مقرر قانونی در حالی است که حضور مالک در مجلس عقد و سکوت او اعتماد مشروع در طرف قرارداد ایجاد می‌کند.

از این دست موارد در نظام حقوقی ما زیاد دیده می‌شود؛ برای مثال، اعمال احکام شدید در خصوص شخصی که به اعتماد اماره‌ید و اذن شارع، مالی را از کسی که بر مالی ید مالکانه دارد در فرض کشف مستحق للغير بودن، تحمیل مسئولیت بر شخص مغرور (در فرضی که زیان دیده اصلی شخصی غیر از مغرور است). تحمیل ضمان بر متلف بالمباشره در صورتی که ضرر عرفاً قابل پیش‌بینی نباشد. اعمال احکام عدم نفوذ معامله در برابر طرف قرارداد با حسن نیت در فرضی که تخلف از روابط شخصی میان اصیل و موکل علت عدم نفوذ است و.... اینها مواردی است که قواعد حقوقی مستقیماً موجب نقض اعتماد مشروع می‌شوند اما، از این

گذشته خلأهای قانونی فراوان و همچنین نبود پیش‌بینی ضمانت اجراهای مناسب برای حمایت از اعتماد مشروع موجب شده است در عمل نیز اعتماد عمومی به سطح مطلوب نرسد. در چنین شرایطی تنها راه چاره تقویت نظریات حمایت‌کننده از اعتماد مشروع و نیز در صورت امکان استنباط قاعده در این زمینه از لایه‌لای مقررات فقهی و حقوقی است که می‌تواند به جنگ مقررات رایج در این حوزه برود تا هم وضع موجود را تعدیل بخشد و هم چراغ راه قانونگذار در وضع مقررات جدید باشد.

سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود: این است که آیا می‌توان اعتماد مشروع را به عنوان قاعده‌ای که در ابواب مختلف کاربرد دارد، اعمال کرد یا خیر؟

از آنجا که مجرای قاعده اعتماد مشروع عمدتاً در جایی است که ظاهر ایجاد شده با واقع منطبق نیست، از منظر فقهی در پاسخ پرسش مطرح شده برای مقدمه ابتدا باید جواز شرعی عمل مطابق ظواهر، به ویژه ظواهر اعمال و احوال به اثبات برسد.

چنین ظنی که معتنا به عقلای جامعه است تحت عنوان ظاهر موجد اعتقاد راجح مطرح می‌شود که در اصول فقه اعتبار آن ذیل عنوان اصل ظهور مورد توجه قرار گرفته است. آنچه مورد نظر پژوهش حاضر است مطالعه حدود و ثغور اعتبار اصل ظهور در اصول فقه و استفاده از آن برای اثبات اعتبار قاعده اعتماد مشروع است.^۱

از این رو در ادامه در دو گفتار، مطالب توضیح داده می‌شود. در گفتار اول برای آشنایی بیشتر خوانندگان تعریفی از قاعده حمایت از اعتماد مشروع به همراه مختصری از فلسفه و مصادیق این قاعده در فقه و حقوق ایران و حقوق غربی ذکر می‌شود. سپس بعد از شناخت مفهوم و محدوده قاعده حکم تکلیفی، قاعده از حیث تطبیق با اصل ظهور بررسی خواهد شد.

۱ البته این توضیح لازم است که با اثبات تطبیق اصل ظهور با قاعده حمایت از اعتماد مشروع تنها می‌توان حکم تکلیفی وجوب یا اباحه عمل به ظاهر مشروع را اثبات کرد. اما، بعد از حکم وضعی باید دید که جواز عمل به ظاهر چه حکم وضعی با خود به همراه خواهد داشت؟ در این باره نظریه شیخ انصاری جالب توجه است که براساس رأی ایشان احکام وضعی به طور کلی منتزع از احکام تکلیفی هستند. با وجود طرح ایرادات متعدد نسبت به نظریه شیخ انصاری مواردی را در فقه می‌توان یافت که احکام وضعی از احکام تکلیفی منتزع شده‌اند. که بررسی آن در مقالات دیگر ارائه خواهد شد.

گفتار اول: بررسی قاعده حمایت از اعتماد مشروع در حقوق غربی و فقه و حقوق ایران

باعنایت به مراتب پیش گفته برای شناخت قاعده حمایت از اعتماد مشروع ابتدا این قاعده و مصادیق آن از منظر حقوق غربی و حقوق ایران مطالعه شده و پس از شناخت حدود و ثغور آن با پژوهش در اصل ظهور میزان تطبیق در جهت اثبات اعتبار قاعده بررسی خواهد شد.

۱-۱ قاعده حمایت از اعتماد مشروع در حقوق غربی:

در میان نظریه پردازان حقوقی، ظاهراً نظریه اعتماد مشروع برای اولین بار از سوی امانوئل لوی^۱ به عنوان مبنا و هدف حقوق مطرح گردید. بنابر نظریه لوی از آنجا که اساس روابط اجتماعی بر اعتماد استوار است و اعتقاد جمعی افراد جامعه اعتماد عمومی را تشکیل می دهد حقوق باید در خدمت تأمین و حمایت از اعتقادات مشروع جمعی^۲ باشد. از این رو این اعتقادات مبنای تعیین حقوق و تکالیف افراد جامعه است. بدین صورت که او معتقد بود باید حقوق بتواند خود به خود تحول یابد و زمانی که اعتقادات مشروع جمعی مبنای حقوق باشد، حقوق می تواند با تحولات جامعه همسو شده و همراه با تحول اعتقادات جمعی پیشرفت کند.^۳

لوی نظریه خود را در زمینه های مختلف حقوقی مانند حقوق مسئولیت مدنی، حقوق تعهدات، حقوق قراردادها، حقوق اموال و مالکیت، حقوق کیفری و حقوق عمومی تبیین می کند و لوی آن جنبه از نظریه لوی که مورد نظر این پژوهش است، درباره مسئولیت مدنی و حقوق تعهدات است.

در این خصوص لوی معتقد است حقوق خصوصی باید بر دو پایه استوار باشد:

^۱Emmanuel levy

^۲ امانوئل لوی استاد دانشگاه لیون و از پیروان مکتب امیل دورکیم و معتقد به جامعه شناسی حقوقی بود.

^۳ David S. Clarck, Encyclopedia of Law and Society: American and Global Perspectives, First Edition, (New York: SAGE Publications, 2007), P.443.

^۴Jural Collective beliefs

^۵Gurvitch, Georges, sociology of law, First Edition, (London: Routledge, 2001), P.96.

^۶ Cotterrell, Roger, Emmanuel levy and legal studies; available at: https://www.cairn.info/load_pdf.php?ID_ARTICLE=DRS_056_0131

۱. تا حدی که رفتار دیگران موجب ایجاد اعتقادی در ما می‌شود و ما برای تعامل با جامعه به اعتماد، به این اعتقاد نیازمندیم. در این شرایط، ایجاد کننده اعتقاد در مقابل ما مسئول است. ۲. تا حدی که مطابق این اعتماد متعارف رفتار می‌کنیم مسئولیتی (قراردادی و غیر قراردادی نخواهیم داشت).^۱

این دو اصل پایه نظریه حقوق مدنی لوی را تشکیل می‌دهد؛ با وجود این، نظریه مزبور در فرانسه به دلایلی مانند فقدان ارائه ضابطه در خصوص معیار اعتماد، ابهام و تناقض گویی مورد قبول جامعه حقوقی قرار نگرفته است.^۲ اما با همه این انتقادات، به اعتقاد برخی به رغم عدم مقبولیت در فرانسه، نظریه لوی با دادن نقش محوری به اعتماد مشروع در حقوق، حقوق دانان کامن لا را با لزوم توجه به اعتماد مشروع آشنا کرده و سرآغاز تحولات بزرگ و اهمیت دادن به ضرورت حمایت از اعتماد مشروع شده است.^۳ درحالی که برخی نویسندگان انگلیسی معتقدند نظریه لوی به طور کلی برای حقوق دانان کامن لا ناشناخته بود ولی نظریه وی با بسیاری از تحولات حقوق کامن لا و نظریات جدید سازگاری دارد.^۴ به هر حال صرف نظر از تأثیر یا عدم تأثیر نظریه لوی در نظام کامن لا، امروزه ضرورت حمایت از اعتماد مشروع به این نظام حقوقی به وضوح دیده می‌شود تا آنجا که برخی از استادان پیشنهاد کرده‌اند که مسئولیت‌ها به دو دسته مسئولیت مبتنی بر سود^۵ و مسئولیت مبتنی بر اعتماد^۶ تقسیم‌بندی شود.

۱ کاتوزیان، ناصر؛ مسئولیت مدنی، جلد ۱، چاپ سیزدهم، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳)، ص ۳۵۳.

۲ برای مثال منتقدان لوی معتقد بودند، تعیین مصادیق مشروعیت اعتماد به عهده قانونگذار است از این رو این نظریه استقلالی از خود ندارد و تابع اوامر و نواهی قانونی است. همچنین مشخص نیست چرا باید وقتی هم تقصیر زیان‌دیده و هم تقصیر عامل زیان در بروز خسارت نقش دارند به صرف اینکه زیان‌دیده با تقصیر خود اعتماد را نقض کرده از جبران خسارت محروم گردد درحالی که تقصیر عامل زیان نیز عملی خلاف اعتماد اجتماعی است.

۳ همان، ص ۳۵۳.

^۴Ibid, P.135.

^۵Benefit-Based liabilities

^۶Reliance-based liabilities

بنابر نظر این حقوقدان در حقوق به‌ویژه در زمینه حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی شاهد افزایش چشمگیر مسئولیت‌های مبتنی بر اعتماد هستیم به گونه‌ای که در بسیاری از زمینه‌های حقوقی مسئولیت‌هایی رشد یافته‌اند که مبتنی بر نظریه اعتماد متعارف^۱ هستند.^۲

در حقوق عمومی حمایت از اعتماد مشروع تحت عنوان نظریه «انتظار مشروع»^۳ در آلمان پایه‌ریزی شد و در انگلستان به موجب رأی لرد دنینگ در پرونده اشمیت^۴ پروراند شد که امروزه به یکی از قواعد مهم در زمینه حمایت از مردم در برابر حکومت تبدیل شده است. براساس این نظریه، انتظارات مشروع به توقعات معقولی اطلاق می‌شود که در روابط متقابل افراد با مقامات عمومی و دولتی بر اثر تصمیمات، اطلاعات سیاست‌ها و رویه‌های اداری و اجرایی ایجاد شده به نحوی که صرف نظر کردن یا توجه کردن آنها ضمن نقض انتظار مشروع افراد، موجب ایراد خسارت یا سلب منفعت مخاطبان ذی نفع می‌شود. به همین دلیل انتظارات یادشده مستلزم نوعی حمایت حقوقی هستند.^۵

تا آنجا که مطالعه کرده‌ایم، نظریه جامعی در حقوق مدنی با چنین حدود و ثغوری وجود ندارد اما، با این حال در بسیاری از قواعد حقوقی کامن‌لا رد پای اعتماد مشروع و ضرورت حمایت از این اعتماد به وضوح دیده می‌شود؛ برای مثال، براساس قاعده منع گفتار یا رفتار متعارض مبتنی بر اعتماد،^۶ شخص از اظهاری خلاف آن اعتمادی که گفته یا رفتار او در نظر طرف دیگر ایجاد می‌کند، منع می‌شود.^۷

همچنین در حقوق قراردادهای کامن‌لا موارد بسیاری را در خصوص تأثیر اعتماد مشروع می‌توان ملاحظه کرد؛ برای مثال، براساس نظریه نقض قابل پیش‌بینی^۸ زمانی که

^۱Resonable Reliance

^۲P. S. Atiyah, *The Rise and Fall of Freedom of Contract*, (London: Oxford University Press, 1985), P.771.

^۳Legitimate Expectation

^۴*Schmidt V Secretary Of State For Home Affairs* 1969

^۵Paul Craig, *legitimate Expectation A conceptual Analysis*, (London: law quarterly Review, 1992), P.81.

^۶Reliance-Based Estoppel

^۷Piers Feltham and others, *Spencer Bower: Reliance-Based Estoppel*, Fifth Edition, (London: Bloomsbury Publishing, 2017)

^۸Anticipatory Breach of Contract

قاعده حمایت از اعتماد مشروع و تطبیق آن با اصل ظهور | صفایی و باخدا | ۱۱

اوضاع و احوال نشان‌دهنده پایبند نبودن یکی از طرفین به الزامات قراردادی باشد طرف دیگر محق است به این اوضاع و احوال اعتماد کرده، برای اجتناب از ضرر قرارداد را پایان یافته تلقی کند.

همچنین براساس نظریه اعتماد متعارف^۱ اعتبار و لزوم تعهد از ضرورت احترام به انتظاراتی مشروع مخاطب مایه می‌گیرد که به گونه‌ای معقول به مفهوم ظاهری رفتارهای طرف مقابل اعتماد کرده است در این دیدگاه وقتی که یک طرف به نتایج قانونی رفتار یا ظاهر گفتار طرف دیگر امیدی معقول بسته باشد شایسته حمایت حقوقی است. بنابراین در قلمرو اعمال حقوقی آنچه یک تعهد را ساخته و اجرای آن را الزامی می‌سازد نه اراده و خواست متعهد بلکه ضرورت احترام به اعتماد معقولی است که در مخاطب ایجاد کرده است.^۳

تأثیر این قاعده در مورد مسئولیت خارج از قرارداد نیز مشاهده می‌شود به گونه‌ای که شرط اعمال برخی از قواعد به صراحت اعتماد مشروع عنوان شده است؛ برای مثال، یکی از شروط مطالبه خسارات محض اقتصادی، اعتماد ذکر شده است.^۴

بنابراین، با توجه به تعاریف ارائه شده و مصادیق مورد بررسی می‌توان نتیجه گرفت که قدر جامع نظریه حمایت از اعتماد مشروع آن است که هر گاه رفتار یک شخص یا مقام عمومی موجب اعتقاد معقول در ضمیر جمعی افراد جامعه گردد این اعتقاد مبنایی برای ایجاد حق شناخته شده و شایسته حمایت است حال این حمایت ممکن است به شکل عدم مسئولیت معتقد و یا تعهد و مسئولیت قراردادی یا غیرقراردادی سایرین در برابر معتقد باشد.

۲-۱ قاعده اعتماد مشروع در فقه امامیه و حقوق ایران:

The Theory of Reliance

۲ عبدی پور فرد، ابراهیم و پرهیزگار، عبدالرضا، «مطالعه تطبیقی نظریه التزام به عقد با تأکید بر نظریه اعتماد»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۴، (۱۳۹۴)، ص ۸۱.

۳Richard Stone, The law of Modern Contract, Fifth Edition, (London: Cavendish publishing limited, 2015), Ps.35&96.

۴Catherine Elliott; Frances Quinn, Law Of Tort, 11th edition, (London: Pearson Longman, 2017), P.135.

در حقوق ایران و فقه امامیه بدیهی است باوجود طرح مباحث فلسفه مسئولیت در برخی کتب به صورت مفصل از ضرورت حمایت از اعتماد مشروع به صراحت سخنی به میان نیامده است. باوجود این در لسان فقها و حقوق دانان، می توان نشانه های حمایت از اعتماد مشروع را مشاهده کرد.

برای مثال تدلیس و غرور دو طریق مختلف جبران ضرر شخصی هستند که، اعتماد مشروعش نقض شده است. بررسی مصادیق دو قاعده مؤید آن است که دقیقاً مطابق با هدف حمایت از اعتماد مشروع جعل شده اند.

مفاد قاعده تحذیر شخصی را که در راستای انجام رفتاری مشروع زیان بار هشدار لازم را به افراد در معرض خطر می دهد، معاف از مسئولیت می داند حتی اگر زیان دیده (به علل غیر منتسب به هشدار دهنده) مفاد هشدار را درک نکند.^۱

بر اساس نظریه اصیل افشا نشده در صورتی که وکیل نمایندگی خود را از جانب منوب عنه مخفی کند در مقابل ثالث مسئول اجرای تعهدات قراردادی اصیل است. مطلبی که مورد تصریح برخی فقهای بزرگ قرار گرفته است.^۲

در خصوص جنبه سلبی نظریه لوی نیز مواردی را در فقه می توان یافت؛ برای مثال، میرزا حبیب اله رشتی در کتاب الغصب پس از بحث مفصلی در تأثیر علم و جهل در ضمان قهری این گونه نتیجه گیری کرده اند که اگر کسی به متلف بودن عمل خود جاهل باشد معاف از ضمان ناشی از اتلاف چه بالمباشره و چه بالتسبیب خواهد بود.^۳

همچنین در مثال معروفی آمده است که اگر فردی، دیگری را در چاهی هل دهد که شخص ثالثی روی آن را پوشانده باشد هل دهنده به دلیل غرور ضامن نخواهد بود.^۴ این در حالی است که برخی ادعا کرده اند، نزد فقهای امامیه حتی یک نفر هم غرور را مسقط

۱ حلی، ابن فهد؛ رسائل العشر، جلد ۱، چاپ اول، (قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره، ۱۴۰۹ق)، ص ۳۹۱.

۲ قمی، میرزا ابولقاسم؛ جامع الشتات، جلد ۳، چاپ اول، (تهران: کیهان، ۱۳۷۱)، ص ۵۳۹.

۳ رشتی، میرزا حبیب اله؛ کتاب الغصب، چاپ اول، (تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۸)، ص ۳۸.

۴ طباطبایی حائری، سید علی بن محمد علی بن ابی المعالی؛ ریاض المسائل، جلد ۱۴، چاپ اول، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۲ق)، ص ۲۳۶.

ضمان نمی‌داند.^۱ و فقط در صورت مراجعه زیان‌دیده به مغرور، وی نیز می‌تواند به غار مراجعه کند و در هر حال ضمان بر عهده مغرور قرار می‌گیرد.

باین حال مواردی نیز مشاهده می‌شود که ظاهراً ناقض نظریه اعتماد مشروع است مانند قاعده غرور (از حیث مسقط بودن) و ضمان ید در برخی موارد به‌ویژه در موارد شمول قاعده نسبت به اشخاص ناآگاه و نیز عدم لزوم احراز رابطه سببیت.

علاوه بر موارد ذکر شده از حیث جنبه ایجابی نظریه اعتماد مشروع در نظام حقوق ایران به موجب اعتقاد قائلان به نظریه تفوق اراده ظاهری بر اراده باطنی^۲ این امکان را از متعهد سلب می‌کند که بتواند در تعهدات و مسئولیت‌های قراردادی به اراده نهان خود استناد کند به تعبیر یکی از استادان بنابر نظریه اعتبار اراده ظاهری، اعلام‌کننده اراده باید بداند آنچه می‌گوید یا می‌نویسد طرف قرارداد را معتقد به ایجاد تعهد از سوی او می‌کند. قاعده غرور، تدلیس و اخیال افشا نشده، قاعده الزام و.... نیز از موارد دیگر جنبه ایجابی هستند که سابقاً به آنها اشاره گردید. از قواعد جنبه سلبی می‌توان از قواعدی مانند قاعده غرور، قابلیت پیش‌بینی ضرر، قاعده تحذیر، اذن فحوی و قاعده اقدام در حقوق ایران و فقه امامیه نام برد.

بنابراین در حقوق ایران و فقه امامیه با بررسی مصادیق قاعده به‌ویژه می‌توان چنین تعریفی را ارائه داد: در صورتی که رفتار شخص ظاهر قابل اعتمادی ایجاد کند و مخاطب با اعتماد به این ظاهر رفتاری انجام دهد که منطبق با واقع نیست، در این صورت یا اظهارکننده مقید به ظاهر ایجاد کرده است و مکلف است به حقوق مخاطب مطابق ظاهر ایجادشده توجه کند (مانند نظریه اذن فحوی و اصالت اراده ظاهری در قراردادها) و یا در برابر مخاطب مکلف به جبران خسارت ناشی از عدم تطابق ظاهر با واقعیت است. (مانند ضمان درک و قاعده غرور)

۱ نجفی، محمد حسن؛ جواهرالکلام، جلد ۳۷، چاپ هفتم، (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲)، ص ۲۲۴.

۲ تفاوت اراده ظاهری و باطنی در این است که در نظریه تفوق اراده باطنی، ظاهر کلام متعاملین، در مقام اثبات اراده بطنی نقش داشته و به اصطلاح، ظاهر طریقت دارد در کشف اراده باطنی ولی در نظریه تفوق اراده ظاهری ظاهر موضوعیت داشته و در مرحله ثبوت نقش داشته نه اثبات. نگاه کنید به سید حسین صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ ۳۱، صفحه ۷۳.

۳ برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، چاپ هجدهم، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۰)، ص ۲۳۰

گفتار دوم: بررسی اصل ظهور و تطبیق آن با قاعده حمایت از اعتماد مشروع
همان‌طور که بیان شد در اکثر موارد اعتماد و اعتقاد مورد حمایت در پرتو این قاعده، ناشی از ظاهر مورد اعتمادی است که رفتار دیگران در ضمیر افراد متعارف ایجاد می‌کند لذا برای اثبات اعتبار چنین قاعده‌ای بدون بررسی معنا و شمول اصل ظهور بر آن ناممکن است.

۲-۱ تعریف اصل ظهور و انواع ظاهر

در تعاریف ارائه شده درباره اصل ظهور آمده است: «حمل لفظ بر معنای ظاهری و نادیده گرفتن معانی دیگر قابل برداشت از لفظ»^۱ بنابراین زمانی که یک لفظ فاقد نص قطعی باشد اما، در معانی خاص ظهور داشته و نیز قرینه خلافی که معنای دیگری را برساند وجود نداشته باشد، اصل ظهور حکم می‌کند که به معنای ظاهری آن عمل شود.

لذا، گفته شده است این اصل در جایی به کار می‌رود که حمل لفظ یا کلام بر آن معنا در نظر عقلا راجح باشد، هرچند در مقام استعمال، احتمال خلاف آن (اراده معنای مرجوح) داده می‌شود؛ در چنین حالتی عقلا به معنای ظاهر تمسک نموده و معنای خلاف ظاهر را نادیده می‌گیرند.^۲

بنابراین، اصالت ظهور، یعنی اخذ به ظهور کلام (معنای راجح) و الغای احتمال خلاف آن (معنای مرجوح). این اصل لفظی عقلایی، حکم می‌کند که تا وقتی برای معنای خلاف ظاهر دلیلی اقامه نشده است، باید همان معنای ظاهر کلام را اخذ کرد شارع نیز این شیوه عقلا را در تمسک به ظهور لفظ متکلم تأیید و امضا کرده است زیرا اگر شیوه دیگری مورد نظر شارع بود آن را بیان می‌کرد.

آنچه جهت درک بهتر این تعریف به کار می‌آید فهم درست از معنای ظاهر است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱ مظفر، محمدرضا، اصول فقه، جلد ۱، چاپ چهارم، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۰)، ص ۷۵.

۲ سبحانی، شیخ جعفر، الموجز فی أصول الفقه، جلد ۱، چاپ چهاردهم، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۹ق)، ص ۲۸.

۱-۲-۱ تعریف ظاهر و تمیز از اصطلاحات مشابه

در معنی ظاهر آمده است: «لفظ ظاهر، از اقسام الفاظ واضح بوده و عبارت است از لفظی که در معنای خود ظهور دارد؛ یعنی هر چند از شنیدن لفظ، اراده معنای دیگر احتمال داده می‌شود، اما آن احتمال ضعیف و مرجوح بوده و مانع ظهور در معنای مورد نظر نمی‌گردد.»^۱ در مقابل نص کلامی است که معنای آن معلوم است و احتمال معنای دیگر نداشته باشد. همچنین به کلامی مأول می‌گویند که معنای آن معلوم باشد و احتمال معنای دیگر نیز داشته باشد و قرینه‌ای نیز باشد که آن احتمال ضعیف و مرجوح مراد و مقصود گوینده است. و در نهایت مجمل کلامی است که معنای آن معلوم نباشد و مردد میان دو یا چند معنا باشد. با آنکه در تعریف ارائه شده از عبارت ظاهر مورد اعتماد استفاده شده است اما، به نظر نمی‌رسد به طور کامل با آن معنایی که از ظاهر در فقه و اصول می‌شناسیم منطبق باشد. برپایه آموزه‌های شیخ انصاری در اصول فقه مشهور است که براساس آیات و روایات متعدد اصل بر حجیت تمامی علوم عرفی از جمله ظواهر، خبر ثقه، قول لغوی و قول اهل خبره است و آیات و روایات به نحو مطابقی و صریح و گاهی به صورت دلالت التزامی، بر حجیت آن‌ها دلالت می‌کنند. براساس این آیات و روایات، علوم عرفی از ظنون که اصل در آن‌ها، عدم حجیت است خارج می‌شود. آراین‌رو مشهور در اصول فقه، عدم حجیت ظنون است.^۲ آراین جهت مهم آن است که ارتباط ظاهر با ظن مورد بررسی قرار گیرد. ظن عبارت است از حالتی نفسانی برای انسان همچون علم و شک. با این تفاوت که مرتبه آن از شک

۱ جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، چاپ اول، (تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹)، ص ۶۷۲.

۲ علم عرفی علمی است که از دیدگاه عقلا، واقع‌نما است و احتمال خطای عقلایی در آن راه ندارد؛ و به تعبیر علمای اصول، عقلا به احتمال خلاف آن التفات ندارند، اگرچه از نگاه عقلی، احتمال خطا در آن وجود داشته باشد. برای مطالعه بیشتر رک طغرلی پور، احمد، «تأملی در ادله شیخ انصاری (ره) بر اصالت عدم حجیت ظن»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه، دوره ۱۹، شماره ۷۱، (۱۳۹۱)، صص ۱۷۳-۲۱۸.

۳ البته به بیان دقیق‌تر علوم متعارف، ظنون قوی هستند که قریب به یقین‌اند اگرچه حقیقتاً همان ظنون هستند اما، در عرف از ظنون انصراف دارند.

۴ انصاری، شیخ مرتضی؛ فرائد الاصول، پیشین، ص ۲۵ به بعد.

که تردید با تساوی دو طرف احتمال است بالاتر و از علم که یقین به چیزی است پایین تر است. به عبارت دیگر، هنگام پیدایی تردید، چنانچه به نظر فرد یک طرف تردید قوی تر و از طرف دیگر به واقع نزدیک تر باشد، در اصطلاح، طرف راجح را ظن گویند.^۱

یکی از مهم ترین تقسیمات در خصوص ظن که در این پژوهش نیز مورد نیاز است تقسیم میان ظن مطلق و ظن خاص است. ظن مطلق، به ظنی اطلاق می شود که دلیل حجیت آن دلیل انسداد باب علم^۲ است و دلیل دیگری نه در خصوص حجیت و نه در خصوص عدم حجیت آن وجود ندارد.

در مقابل آن، ظن خاص ظنی است که بر حجیت آن دلیل قطعی خاص عقلی یا نقلی اقامه شده است از این روست که بر ظن به دست آمده از طریق امارات معتبر، همچون ظن حاصل از خبر واحد عادل و یا ثقه، ظن خاص اطلاق می شود. این چنین ظنی دلیل علمی به شمار می رود، یعنی دلیلی که حجیت آن به علم ثابت شده است و از آنجا که دلیل آن قطعی است، قائم مقام علم است و شارع مقدس آن را حجت قرار داده است.^۳

همان طور که گفته شد مطابق نظر اصولیون اصل اولی در ظن عدم حجیت است، مگر در صورتی که دلیل قطعی بر اعتبار آن آورده شود. از این منظر اصولیان برای تحقق ظن و نتیجه گرفتن آن، صرف وقوع شک در اعتبار آن و یا عدم حصول علم به اعتبار آن را کافی دانسته اند، هر چند ظن حاصل از آن قوی باشد مانند ظن حاصل از شهرت. بنابراین، آنچه نیازمند دلیل است، حجیت ظن است نه عدم حجیت آن.^۴

لذا از آنجایی که ظاهر موجد اعتقاد راجح در افراد می گردد، از دو حال خارج نیست یا این اعتقاد راجح به حد ظاهر موجد اطمینان می رسد که تحت اصالة الظهور باید مورد مطالعه

۱ مشکینی، شیخ علی؛ اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، جلد ۱، چاپ پنجم، (قم: نشر الهادی، ۱۳۷۱)، ص ۱۶۱.

۲ در اصطلاح اصولی، انسداد باب علم به معنای بسته بودن راه علم و علمی به احکام شرعی به روی مکلفان در عصر غیبت است، به بیان دیگر، راه های قطعی و علمی (ظنی معتبر) دست یابی به احکام شرعی، بر مکلفان بسته است.

۳ جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، پیشین، ص ۵۵۱ به بعد.

۴ انصاری، شیخ مرتضی؛ فرائد الاصول، پیشین، ۱۲۵ به بعد؛ مظفر، محمدرضا، اصول فقه، جلد ۲، چاپ چهارم، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۰)، ص ۱۷.

قرار گیرد و یا آنکه باید در حدّ ظن آن را مورد شناسایی قرار داد و براساس نظریات حجیت ظنون، اعتبار آن را سنجید.^۱

بنابراین اگر حجیت اعتماد مشروع را در پرتو ظنون خاص جستجو کنیم استنباط قاعده‌ای کلی ممتنع خواهد بود چرا که در هر مورد خاص باید به دنبال دلیل قطعی برای اعتبار باشیم و نمی‌توان هر اعتمادی را مشمول حمایت دانست.

براین اساس با بررسی قاعده اصالة الظهور باید دید چه مواردی از نظریه اعتماد مشروع در ذیل باب ظواهر قرار می‌گیرد و چه مواردی در زمره ظنون.

۲-۱-۲ انواع ظاهر:

برای ظاهر تقسیم‌بندی‌های متفاوتی ارائه شده است. یکی از مهم‌ترین تقسیماتی که درخصوص ظاهر ارائه شده است و در این مقاله راهگشا بوده است، تقسیم‌بندی ظاهر به ظواهر الفاظ، احوال و اعمال است. همان‌طور که در تعریف اصل ظهور و ظاهر بدان پرداختیم تمامی تعاریف ناظر بر اصل ظهور درباره الفاظ وارد شده است و آن اصل ظهوری که در اعتبار آن اجماع وجود دارد اصل ظهور به عنوان اصلی لفظی است. باوجوداین ظاهر به لفظ محدود نمی‌شود بیشتر ظواهری که در زندگی روزمره با آن سروکار داریم ظواهری ناشی از احوال یا اعمال افراد است. علی‌الاصول این دسته از ظواهر است که بیشترین تطبیق را با نظریه حمایت از اعتماد مشروع دارد.

مثال معروفی که در فقه در این باره وارد شده است در جایی است که به شخص مهمانی اذن دخول در خانه‌اش می‌دهد که این اذن شامل مصرف میوه‌های داخل خانه هم می‌شود. گرچه احتمال دارد که صاحب‌خانه راضی به مصرف میوه نباشد با این حال ظاهر حال بیانگر اذن در مصرف میوه است لذا، بعد از مصرف صاحب‌خانه نمی‌تواند ادعای عدم اذن را مطرح کند.

۱ با آنکه بنابر نظر برخی از صاحب‌نظران اصولی، ظاهر نیز جزء ظنون محسوب می‌شود ولی از آنجاکه با وجود قاعده اصالة الظهور، اعتبار و حجیت ظهور ذیل مباحث اصالة الظهور بررسی گردیده و بحث حجیت ظنون منصرف از ظاهر است.

۲-۲ حجیت ظواهر احوال و افعال

با وجود صراحت در خصوص اعتبار ظاهر الفاظ، و نیز وجود مثال متعدد در کتب فقهی که قابل انطباق با ظواهر اعمال و احوال است بسیاری از اصولیون در آثار خود به اعتبار ظواهر اعمال و احوال نپرداخته‌اند.

این امر ممکن است این شبهه را تقویت کند که ظواهر احوال و اعمال از شمول حجیت اصالة الظهور خارج بوده و مثال‌های فقهی در قالب ظن خاص اعتبار یافته‌اند لذا قاعده‌ای کلی درباره اعتبار آن نمی‌توان یافت. از این منظر در ادامه به معدود آرای اصولیون که به اصالة الظهور در حوزه اعمال و احوال پرداخته‌اند اشاره می‌کنیم.

۲-۱-۲ آرای اصولیون در خصوص حجیت ظواهر اعمال و احوال:

تا جایی که نگارنده تحقیق کرده است مهم‌ترین منبعی که به‌طور مستقل به اعتبار و حجیت در غیر الفاظ پرداخته، شهید صدر در حلقه سوم کتاب دروس است. بنابر نظر شهید صدر: کما ان الظهور اللفظی حجة كذلك ظهور الحال (۱) و لو لم يتجسد فی لفظ ایضا. یعنی همان‌طور که ظهور لفظی حجت است ظهور حالی نیز حجت است حتی اگر در قالب لفظ تجسم نیافته باشد.

به تبع شهید صدر شارحان بر حلقات نیز به حجیت ظهور حال پرداخته‌اند در کلام آنها منظور از ظهور حالی ظهوری است که در قالب لفظ تجلی نیافته و منشأ آن حال متکلم است. بدین معنی که گاهی از متکلم افعال تحرکات و تصرفاتی صادر می‌شود که نشان می‌دهد متکلم معنای معینی را اراده کرده است.^۲

در مقابل برخی اصولیون معتقد به عدم حجیت ظاهر احوال هستند. به نظر ایشان فرق میان ظواهر الفاظ و ظواهر احوال در آن است که ظواهر کلام اماره‌ای هستند بر این امر که متکلم معنای ظاهری را اراده کرده است و بر این اساس متکلم مأخوذ به کلام خود ولی در خصوص ظواهر احوال نمی‌توانیم بگوییم شخص ظاهر حال خود را اراده کرده پس مأخوذ به ظاهر

۱ صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الأصول، جلد ۵، چاپ دوم، (بیروت: دار الکتب اللبنانی، ۱۴۰۶ق)، ص ۱۴۷.

۲ العاملی، حسن محمد فیاض حسین، شرح الحلقة الثالثة، جلد ۲، چاپ اول، (بیروت: شركة دار المصطفی (ص) للاحیاء التراث، ۱۴۲۸ق)، ص ۴۰۵.

احوال است چرا که مثلاً وقتی می‌گوییم ظاهر حال در فلان شخص عدالت است نمی‌توان معتقد بود وی چنین معنایی را اراده کرده است. البته ایشان در ادامه اشاره می‌کنند که چنانچه ظاهر حال به حدّ ظاهر کلام برسد حجیت خواهد داشت.

با وجود اینکه ایشان اشاره‌ای نداشتند که با چه ضابطه‌ای می‌توان معتقد بود ظاهر حال به حدّ ظاهر کلام می‌رسد اما، از تعلیل موجود در کلام ایشان دست کم این نتیجه را می‌توان گرفت که اگر فعل یا حالتی از متکلم صادر شود که بتوان آن را اماره‌ای بر اراده متکلم قرار داد مانند ظواهر کلام حجیت دارد.

چنین تفکیکی را می‌توان از کلام شهید صدر و سید کاظم حائری نیز استنباط کرد. به نظر ایشان ارجاع حجیت ظاهر حال به ظاهر کلام همیشه نمی‌تواند صحیح باشد چرا که ظهور حال انسان گاهی به این علت است که انسان ذی منصب است گاهی به این علت که انسان متکلم است.^۲

به بیان دیگر افعال صادر شده از سوی افراد گاهی دارای دلالت تکوینی است از باب کشف معلول از علت مانند دلالت فعلی بر شجاعت یا ترس مرتکب، که این دلالت اگر علمی باشد چون علم حجت است ظاهر فعل نیز حجت است. ولی اگر ظنی باشد حجت نخواهد بود. نوع دوم دلالت افعال، دلالت لغوی و مربوط به باب وضع است مانند دلالت لفظ بر معنای خودش مانند آنکه مولا به عبد خود بگوید که هر کس من به او احترام کردم تو هم احترامش کن و عبد ببیند که مولا به زید احترام می‌کند، در این حالت فعل صادره از مولا به وجوب احترام زید دلالت می‌کند. در خصوص قسم ثانی حجیت ظهور حال براساس ظهور الفاظ توجیه می‌شود و راجع به آن است. اما، در خصوص قسم اول زمانی حجیت خواهد داشت که سیره عقلا بر حجیت آن اقامه شود.

سید کاظم حائری اضافه می‌کند که گفته می‌شود دلالت فعل دلالتی غیر قطعی است که در جهت اثبات حکم کلی الهی در تاریخ فقه پی سابقه است. ولی درباره صغرای احکام شرعی

۱ عبد الساتر، الشیخ حسن، بحوث فی علم الأصول، جلد ۷، چاپ اول، (بیروت: الدار الإسلامیه، ۱۴۱۷ق)، ص ۳۳۲.

۲ صدر، سید محمد باقر، مباحث الأصول، پیشین، ۱۵۴، قابل دسترسی در تارنمای

<https://lib.eshia.ir/13104/1/13>

۳ حائری، السید کاظم، مباحث الأصول، القسم الثانی، جلد ۲، ص ۱۴۹، قابل دسترسی در تارنمای

<https://lib.eshia.ir/72012/1/8>

موارد کثیری به ظاهر فعل استناد شده است. مانند دلالت معاطات بر عقود. و همچنین دلالت فحوی. که به دلیل عدم امکان اثبات همزمانی ظاهر حال با زمان معصوم استناد به حجیت آن با توسل به سیره متشرعه ممکن نیست بلکه صرفاً حجیت آن به وسیله سیره عقلا ممکن است. همچنین صاحب منتقی الاصول بدون آنکه به طور مستقل به حجیت یا عدم حجیت ظاهر حال پردازد صرفاً بیان می کند که ظهور مستفاد از وضع لفظ قوی تر از ظاهر حال است.^۱

در کنار مراتب فوق می توان به این نکته اشاره کرد که، بسیاری از اصولیون بالاخص متقدمین در جهت اثبات حجیت اصالة الظهور در حوزه الفاظ به عنوان مقدمه اثبات مراد جدی متکلم را لازم دانسته اند تا با آن بتوان احتمال هزل و شوخی و توریه و تقیه را در هنگام بیان نفی کرد. برخی برای اثبات مراد جدی به ظاهر حال متکلم استناد می کنند بدین بیان که ظاهر در حال افراد آن است که هنگام سخن جدیت دارند. گرچه این استدلال خود مهر تأییدی است بر اعتبار ظاهر حال. اما، باید دانست به دلیل آنکه اکثر اصولیون متأخر از این نظر عدول کرده اند و با ایرادات متعدد از جمله دور و استحاله مواجه است نمی توان در مقام اثبات حجیت ظاهر احوال بدان تمسک جست.

باتوجه به مراتب پیش گفته می توان بر این نظر بود که دست کم از منظر اصولی در صورتی که فعل یا حالتی از متکلم در مقام رساندن مفهوم و یا ایصال معنایی خاص در ذهن مخاطب صادر شود راجع به ظهور لفظی بوده و شامل ادله حجیت آن می شود. ولی در صورتی که حال شخص غیر راجع به مقام مخاطب باشد حجیت آن را نمی توان براساس حجیت ظواهر الفاظ توجیه کرد و باید براساس مبانی دیگر بررسی شود.

۲-۲-۲ بررسی حجیت ظواهر احوال براساس حجیت ظواهر الفاظ

همان طور که سابقاً بیان شد به حجیت ظاهر احوال اکثر کتب اصولی باب مستقلی اختصاص نداده اند و بیشتر بحث فقط در حجیت ظهور الفاظ آمده است. همچنین بیان شد که آن دسته از اصولیون که به ظهور افعال و احوال پرداخته اند در موارد بسیاری آن را به حجیت ظهور الفاظ برگردانده اند لذا مقتضی است در خصوص دلیل حجیت الفاظ صحبت گردد.

درباره حجیت ظهور الفاظ در علم اصول پنج قول مطرح است:

۱ حکیم، السید عبد الصاحب، منتقی الأصول، جلد ۷، (مطبعة الأمير)، ص ۳۰۰، قابل دسترسی در تارنمای

«۱- ظهور زمانی حجت است که موجب ظنّ به وفاق باشد. یعنی اگر کلام، ظهور در معنایی داشت و ما هم ظن پیدا کردیم که همین معنا مراد متکلم است، حجت است، اما اگر ظن پیدا نکردیم که مراد متکلم همین است، حجت نیست. چون سیره عقلا دلیل لبی است و قدر متیقن آن این است که ظهور همراه با ظنّ مخاطب به مراد متکلم باشد.

۲- ظاهر زمانی حجت است که ظن به خلاف آن پیدا نشود. اما اگر مخاطب ظن به این داشته باشد که متکلم خلاف ظاهر را اراده کرده است، حجت نیست. چون سیره شامل آن نیست. ۳- ظاهر برای اشخاصی حجت است که متکلم قصد آن را داشته باشد که آن اشخاص بفهمند. چون سیره عقلا دلیل لبی است و قدر متیقن آن این است که برای مقصودین بالافهام حجت است نه برای کسانی که مقصود بالافهام نیستند.

۴- ظاهر همه کلامها حجت است الا ظاهر قرآن کریم. چون ادله زیادی داریم که منع از عمل به ظاهر قرآن و تفسیر به رأی می کنند و این ادله می گویند که قرآن برای ائمه حجت است نه برای همه مردم.

۵- ظاهر مطلقاً حجت است.^۱

در خصوص قول اول صاحب کفایه معتقد است که: «ضرورة أنه لا مجال عندهم للاعتذار عن مخالفتها بعدم إفادتها للظن بالوفاق و لا بوجود الظن بالخلاف»^۲ براساس نظر آخوند خراسانی عقلا عذر این شخص را به اینکه ظن به وفاق برای او حاصل نشده و به ظاهر عمل نکرده، قبول نمی کنند. که این منتهی به این نتیجه است که ظن مطلقاً حجت است.

یعنی چنانچه قول اول صحیح باشد، لازمه آن این است که اگر متکلم به کسی دستوری داد، امکان دارد مخاطب مخالفت کند به این دلیل که ظن به وفاق پیدا نکرده، در اینجا عقلا باید عذر او را بپذیرند، درحالی که هیچ عاقلی این عذر را قبول نمی کند، پس معلوم است ظاهر مطلقاً حجت است.^۳

۱ درس خارج اصول استاد رضا زاده مورخ ۳۱/۰۶/۹۲ قابل دسترسی در تارنمای <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rezazadeh/osool/92/920631>

۲ خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول-ت الزاعی السبزواری، پیشین، ص ۲۹۰.

۳ درس خارج اصول استاد رضا زاده مورخ ۳۱/۰۶/۹۲ قابل دسترسی در تارنمای <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rezazadeh/osool/92/920631>

صاحب منتقى الاصول در ردّ قول اول و دوم می‌فرمایند: «فلا معنى لبعض التفصيلات من اعتبار الظن بالوفاق أو عدم الظن بالخلاف، إذ المفروض حصول القطع من الظهور فلا يتصور حصول التشكيك ونحوه»^۱ بدین معنی که: از آنجا که ظهور مفید قطع است و قطع هم با احتمال خلاف (عدم حصول ظن به وفاق) ناسازگار است. پس چون ظهور مفید قطع است، هیچ تفصیلی در مسئله وجود نخواهد داشت.

همچنین در ردّ قول دوم می‌توان گفت در صورتی که ظن به خلاف وجود داشته باشد اصلاً ظهوری وجود ندارد لذا، ظهور مقوم به عدم ظن به خلاف است پس نمی‌توان معتقد بود که در صورت ظن به خلاف ظهور حجیت ندارد زیرا اساساً در این حالت ظهوری متصور نیست بنابراین اگر ظنی به حد ظهور برسد مطلقاً حجت است. این قول با نظر مشهور اصولیون سازگار است. اگر بیان شود که این تفصیلات از طرف بعضی از اصولیون با اصل ظهور منافاتی ندارد، زیرا ظن ناشی از ظهور ظن نوعی است و عدم ظن به خلاف منظور ظن شخصی است؛ می‌توان بدین گونه پاسخ داد که دست کم در خصوص قاعده اعتماد مشروع از آنجا که ضابطه اعتماد شخصی است و در صورت ظن شخصی اعتماد کننده به خلاف نسبت به او ظهور قابل اعتمادی شکل نمی‌گیرد از همین رو در صورت وجود ظن ظهوری وجود ندارد.

۲-۲-۳ مبنای حجیت اصاله الظهور

حال که نتیجه آن شد که ظاهر مطلقاً حجت است باید به دنبال مبنای حجیت اصاله الظهور باشیم تا دریابیم آیا قابل تسری به ظاهر احوال نیز هست یا خیر؟ مبنای حجیت اصل ظهور دلیل از دو حال خارج نیست یا مبنای آن، سیره عقلا است که به ظاهر کلام متکلم در تمام شئون زندگی عمل می‌کنند و شارع هم این بنا را امضا کرده است و یا مبنای آن حجیت قطع است. بر این اساس اگر ظاهر را داخل در ظنون بدانیم حجیت آن بر اساس سیره و بنای عقلا توجیه می‌شود و در هر مورد سیره عقلا باید به اثبات برسد لذا سرایت حجیت ظهور الفاظ به ظهور احوال بدون اثبات سیره عقلا ممکن نیست. و از آنجا که اصولیون به جز شهید صدر و شارحان بر حلقهات بر شمول سیره عقلا بر ظواهر احوال تصریح نکرده‌اند با توجه به لزوم اکتفا به قدر متیقن اثبات این ظواهر با چالش جدی مواجه است. ولی

۱ حکیم، السید عبد الصاحب، منتقى الأصول، پیشین، ص ۲۱۰.

۲-۲-۴ ضابطه تشخیص ظهور

همان‌طور که سابقاً در تعریف ظاهر مشاهده شد، ظاهر لفظی است که هر چند از شنیدن لفظ، اراده معنای دیگر احتمال داده می‌شود، اما آن احتمال ضعیف و مرجوح بوده. این تعریف گرچه صحیح به نظر می‌رسد اما ضابطه دقیقی برای تشخیص ظاهر به دست نمی‌دهد. ضعیف و مرجوح نیز امری است که شدت و ضعف دارد و این امر می‌تواند تشخیص ظاهر را با دشواری روبه‌رو کند.

وقتی ظاهر را در زمره قطعیات یا دست‌کم اطمینان قرار می‌دهیم یا معتقدیم که موجد اعتقاد راجح می‌شود مسلم است که درجه قوت آن باید به حدی باشد که عقلای جامعه احتمال خلاف در آن را در نظر نگیرند.

تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است بهترین ضابطه را در این زمینه آیت الله سبحانی ارائه می‌دهند. به نظر ایشان ما می‌پرسیم: وقتی متکلم سخن می‌گوید در همان حال احتمال خلاف می‌دهیم یا بعد از آن؟ اگر در همان حال احتمال خلاف دهیم این موجب می‌شود که دیگر ظهوری برای آن منعقد نشده باشد و اگر بعد از اتمام کلام متکلم احتمال خلاف دهیم می‌گوییم: عقلاً به همانی که در مقام سماع شنیدند عمل می‌کنند و به احتمال خلاف در بعد اهمیت نمی‌دهند و سبک عقلاً چنین نیست که بعد روی کلام متکلم فکر کنند و به احتمالات دیگر اهمیت دهند.^۱ بالاین حال، در نص

۱ مطابق با ماده ۱۷۲ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و لازم الاجرا پس از تنظیم و امضای صورت مجلس مزایده، شکایت از عمل اجرا از کسی مسموع نیست. فلسفه این ماده آن است که شرکت کنندگان در مزایده که به اعتماد آگهی صادره از نهادهای عمومی مبادرت به شرکت در مزایده نموده‌اند قبل از ختم عملیات اجرایی و در زمانی که فرصت انصراف دارند از احتمالات ابطال مزایده مطلع گردند و در صورتی که پس از این زمان احتمالی مطرح شود به دلیل نقض اعتماد مشروع شرکت کنندگان، قانونگذار طرح ادعا را مسموع ندانسته اما، متأسفانه برخی قضات با اعمال قواعد سنتی طرح احتمالات ابطال مزایده و عملیات اجرایی را در دادگاه عمومی مجاز دانسته‌اند که با فلسفه قاعده اعتماد مشروع کاملاً در تعارض است و نویسندگان این مقاله درصدد هستند که با استفاده از نتیجه حاصله از اعتبار قاعده اعتماد مشروع جلوی طرح چنین ادعاهایی را پس از اعتماد و عمل به ظاهر منتفی یا محدود کنند. همان‌طور که در این مثال مشاهده می‌شود احتمالات مطرحه پس از خاتمه عملیات اجرایی، مواردی نیست که شرکت کنندگان در مزایده پیش از تصمیم به آن توجه داشته باشند. بر همین اساس است که ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر می‌دارد: کلیه اعمال و

این احتمال خلاف هم وجود ندارد.^۱

بنابراین زمانی نیز که عمل یا حالتی را از شخصی مشاهده می‌کنیم یا پس از عمل مطابق ظاهر ایجاد شده متوجه احتمال عدم تطابق با واقع می‌شویم یا قبل از آن در حالت دوم نمی‌توان اعتماد را مشروع و قابل حمایت دانست اما، در حالت اول اعتقاد ایجاد شده محترم و موجد حق برای اعتماد کننده است.

نتیجه گیری

با بررسی مصادیق قاعده حمایت از اعتماد مشروع می‌توان این تعریف را استنتاج کرد: هر گاه رفتار یک شخص یا مقام عمومی موجد اعتقاد معقول در ضمیر جمعی افراد جامعه گردد این اعتقاد مبنایی برای ایجاد حق، شناخته شده و شایسته حمایت است. حال این حمایت ممکن است به شکل عدم مسئولیت معتقد و یا تعهد و مسئولیت قراردادی یا غیرقراردادی سایرین در برابر معتقد باشد. یا به عبارت دیگر در صورتی که رفتار شخص ظاهر قابل اعتمادی ایجاد کند و مخاطب با اعتماد به این ظاهر رفتاری انجام دهد که منطبق با واقع نیست. در این صورت یا اظهار کننده مقید به ظاهر ایجاد کرده است و مکلف است حقوق مخاطب را مطابق ظاهر ایجاد شده مورد لحاظ قرار دهد و یا در برابر مخاطب مکلف به جبران خسارت ناشی از عدم تطابق ظاهر با واقعیت است.

باتوجه به عدم وجود قاعده‌ای کلی در فقه و حقوق ایران درخصوص حمایت از اعتماد مشروع با تدبیر در تعاریف فوق مشخص می‌شود که برای تحقق حمایت از اعتماد مشروع، دو امر ضروری است اول آنکه از لحاظ قانونی استناد و رفتار مطابق اعتماد به ظواهر امور جایز باشد. (حکم تکلیفی) دوم آنکه مسئولیتی از حیث قراردادی یا غیرقراردادی متوجه

اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به‌عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها، اعمال و اقدامات آنان را غیرمعتبر دانست. براین اساس اشخاص ثالثی که به اعتماد آگهی روزنامه رسمی اقدام به انعقاد قرارداد با شرکت نموده‌اند در مقابل احتمالاتی که بعد از انجام عمل حقوقی درخصوص سمت یا اختیارات یا طرز انتخاب مدیران مطرح می‌شود به‌موجب قاعده اعتماد مشروع محافظت می‌شوند.

۱ درس خارج اصول آیت الله سبحانی مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۸ قابل دسترسی در تارنمای <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/osool/92/920808>

اعتماد‌کننده برای رفتار براساس اعتماد نباشد و یا آنکه نقض‌کننده اعتماد در برابر اعتماد‌کننده مسئول شناخته شود. (حکم وضعی)

باعنایت به شهرت اصل عدم حجیت ظن در میان علمای اصول، برای اثبات حکم تکلیفی فوق ناچار به تمسک به اصل ظهور هستیم. چالشی که در این راه با آن مواجه هستیم آن است که آنچه درخصوص اعتبار اصل ظهور در لسان اصولیون آورده شده ناظر بر حجیت ظاهر الفاظ است حال آنکه بیشتر موارد قاعده‌حمایت از اعتماد مشروع قابل تطبیق با ظهور حالی و ظهور فعلی هستند.

عدم اشاره اکثر کتب اصولی به اعتبار ظهور حالی و قعلی شبهه عدم حجیت آن را با قراردادن در زمره ظن مطلق تقویت می‌کند. باوجوداین برخی علمای اصول به حجیت ظهور حالی و قعلی تصریح نموده‌اند. اثبات حجیت ظهور حالی و قعلی از دو طریق ممکن است. اول آنکه همان‌طور که برخی از اصولیون اشاره کرده‌اند اعتقاد به قطعیت دلالت اصالة الظهور داشته باشیم. در این حالت با توجه به حجیت ذاتی قطع نیازی به ادله نقلی یا عقلی دیگر برای اثبات حجیت نداریم. دراین باره تنها با اثبات ظهور در احوال و افعال حجیت آن مفروض گرفته می‌شود.

حالت دوم آنکه ظهور تحت الشمول ظنون قرار داشته باشد در این فرض با توجه به اصل عدم حجیت ظنون برای اثبات حجیت ظهور باید ادله‌ای نقلی یا عقلی بر حجیت آن یافت. دراین صورت اصولیون برای اثبات حجیت ظهور حالی و قعلی به عنوان اصلی کلی به دو استدلال تمسک جسته‌اند برخی از آنها با اشاره به نبود تفاوت میان ظهور حالی و ظهور لفظی ادله حجیت اصالة الظهور را شامل ظهور حالی نیز دانسته‌اند. برخی نیز بنای عقلا را به عنوان مبنای حجیت ظهور حالی دانسته‌اند و معترفند سیره عقلا دلیل عقلی معاضد ظهور حالی موجب می‌شود حجیت آن اثبات شده و ظن خاص محسوب گردد.

برخی دیگر از اصولیون میان دو حالت متفاوت ظهور حالی و قعلی قائل به تفکیک شده‌اند. بدین بیان که ظاهر حال یا فعل افراد در فرضی است که اظهارکننده در مقام ایصال معنا یا مفهومی به مخاطب است راجع به ظهور الفاظ است و حجت است. اما، اگر ظهور حال انسان به این علت باشد که انسان ذی منصب است ظنی الدلاله بوده و اصل عدم حجیت آن است.

براساس مراتب پیش گفته نظر نگارندگان آن است که چه ظهور حالی و فعلی را قطعی الدلاله محسوب کنیم چه ظنی الدلاله آنچه برای اثبات حجیت ذی مدخل است تحقق ظهور است و به محض تحقق ظهور دلالت حاصل از آن حجت است. چرا که همان طور که برخی از مؤلفین ادعا کرده اند دلیل عدم حجیت ظهور حالی ضعف دلالت آن نسبت به ظهور لفظ است بنابراین آنچه در این بحث اهمیت دارد قوت دلالت است لذا در صورت اثبات تحقق ظهور، بحثی در حجیت داشتن آن باقی نمی ماند.

از این جهت فقط باید دید که ضابطه تحقق ظهور چیست. به نظر همان طور که برخی مصنفین باور دارند چنانچه احتمال خلاف موجود در ظهور در همان لحظه سماع سخن یا مشاهده حال یا رفتار در ضمیر افراد متعارف جامعه ایجاد شود، ظهوری متصور نیست و لذا ظن مطلق بوده و حجت نیست ولی چنانچه احتمال خلاف بعد از آن باشد با تحقق ظهور حجیت اثبات می شود.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Seyed Hossein Safaii



<https://orcid.org/0000-0002-2605-0466>

Danial Bakhoda



<https://orcid.org/0009-0002-2888-1340>

منابع

فارسی

اسلامی، رضا، «بررسی تطبیقی ماهیت حکم ظاهری با تکیه بر آراء شهید صدر»، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲).
انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، چاپ چهارم، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲ق).
جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، چاپ اول، (تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹).

حائری، السید کاظم، مباحث الاصول، القسم الثانی، جلد ۲، قابل دسترسی در تارنمای
<https://lib.eshia.ir/72012/1/8>

- حکیم، السید عبد الصاحب، منتقى الأصول، جلد ۷، (مطبعة الأمير)، قابل دسترسی در تارنمای <https://ar.lib.eshia.ir/13050/1/0>
- حلی، ابن فهد، رسائل العشر، جلد ۱، چاپ اول، (قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره، ۱۴۰۹ق).
- خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول-ت الزارعی السبزواری، چاپ پنجم، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق).
- درس خارج اصول استاد رضا زاده مورخ ۳۱/۰۶/۹۲ قابل دسترسی در تارنمای <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rezazadeh/osool/92/920631>
- درس خارج اصول آیت الله سبحانی مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۸ قابل دسترسی در تارنمای <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/osool/92/920808>
- درس خارج اصول آیت الله سبحانی مورخ ۱۳۸۸/۰۴/۱۰ قابل دسترسی در تارنمای https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AC%DB%8C%D8%AA_%D8%B8%D9%8A%08%07%09%0A%01
- رشتی، میرزا حبیب اله، کتاب الغصب، چاپ اول، (تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۸).
- سبحانی، شیخ جعفر، الموجز فی أصول الفقه، جلد ۱، چاپ چهاردهم، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۹ق).
- صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الأصول، جلد ۵، چاپ دوم، (بیروت: دار الكتاب اللبنانی، ۱۴۰۶ق).
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد علی بن ابی المعالی، ریاض المسائل، جلد ۱۴، چاپ اول، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۲ق).
- طغرلی پور، احمد، «تأملی در ادله شیخ انصاری (ره) بر اصالت عدم حجیت ظن»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه، وره ۱۹، شماره ۷۱، (۱۳۹۱).
- العاملی، حسن محمد فیاض حسین، شرح الحلقة الثالثة، جلد ۲، چاپ اول، (بیروت: شركة دار المصطفی (ص) لإحياء التراث، ۱۴۲۸ق).
- عبد الساتر، الشیخ حسن، بحوث فی علم الأصول، جلد ۷، چاپ اول، (بیروت: الدار الإسلامية، ۱۴۱۷ق).
- عبدی پور فرد، ابراهیم و پرهیزگار، عبدالرضا، «مطالعه تطبیقی نظریه التزام به عقد با تأکید بر نظریه اعتماد»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۴، (۱۳۹۴).
- قمی، میرزا ابولقاسم، جامع الشتات، جلد ۳، چاپ اول، (تهران: کیهان، ۱۳۷۱).

قاعده حمایت از اعتماد مشروع و تطبیق آن با اصل ظهور | صفایی و باخدا | ۲۹

کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، چاپ هجدهم، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۰).

کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد ۱، چاپ سیزدهم، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳).
مشکینی، شیخ علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، جلد ۱، چاپ پنجم، (قم: نشر الهادی، ۱۳۷۱).

مظفر، محمدرضا، اصول فقه، جلد ۱، چاپ چهارم، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۰).

مظفر، محمدرضا، اصول فقه، جلد ۲، چاپ چهارم، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۰).

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۳۷، چاپ هفتم، (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲).

References

In persia

A Group of Researchers, *Encyclopedia of Principles of Jurisprudence*, First Edition, (Tehran: Islamic Sciences and Culture Research Institute, 2010).

Abdi Pour Fard, Ebrahim, and Parhizgar, Abdolreza, "Comparative Study of the Theory of Commitment to the Contract with Emphasis on the Theory of Reliance," *Comparative Study of Islamic and Western Law*, Volume 2, Issue 4, ((0015..

Abdul Sater, Sheikh Hassan, "Research in the Science of Principles", Volume 7, First Edition, (Beirut: Islamic House, 1997 AD / 1417 AH).

Advanced Principles of Jurisprudence Class by Ayatollah Subhani, dated 30 October 2013, available at <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/osool/92/920808/>

Advanced Principles of Jurisprudence Class by Ayatollah Subhani, dated 1 July 2009, available at https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AC%DB%8C%D8%AA_%D%B%D9%8%D%A%D%77%D%B1

Advanced Principles of Jurisprudence Class by Professor Rezazadeh, dated 22 Settember 2033 aiii lall at <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rezazadeh/osool/92/920631//>

Al-Amili, Hassan Muhammad Fayyaz Hussein, *Sharh al-Halaqat al-Thalitha* (Commentary on the Third Stage), Volume 2, First Edition, (Beirut: Dar al-Mustafa (PBUH) for Reviving Heritage, 2007 AD / 1428 AH).

Ansari, Sheikh Morteza, *Faraed al-Usul* (The Principles of Jurisprudence), Fourth Edition, (Qom: Islamic Thought Assembly, 2001 AD / 1422 AH).

Haeri, Sayyid Kazem, *Mabahith al-Usul* (Discussions on Principles), Volume 2, Available at <https://lib.eshia.ir/72012/1/8>

Hakim, Sayyid Abdul Sahib, *Muntaqa al-Usul* (Selected Principles), Volume 7, (Amir Press), Available at <https://ar.lib.eshia.ir/13050/1/0>

Hilli, Ibn Fahd, *Rasail al-Ashar* (The Ten Treatises), Volume 1, First Edition, (Qom: Publications of Ayatollah Mar'ashi Najafi Library, 1989 AD / 1409 AH).

Islami, Reza, "Comparative Study of the Nature of Apparent Ruling with Emphasis on the Opinions of Martyr Sadr," Islamic Sciences and Culture Research Institute, First Edition, (Qom: Islamic Propagation Office of the Qom Seminary, 2003).

Katouzian, Nasser, *Civil Liability*, Volume 1, Thirteenth Edition, (Tehran: University of Tehran Press, 2014).

Katouzian, Nasser, *General Rules of Contracts*, Volume 1, Eighteenth Edition, (Tehran: Ganj Danesh Publishing, 2021).

Khorasani, Mohammad Kazem, *Kifayat al-Usul* (The Sufficiency of Principles) - Edited by al-Zaraei al-Sabzevari, Fifth Edition, (Qom: Islamic Publishing Institution, 1993 AD / 1414 AH).

Meshkini, Sheikh Ali, *Istilahat al-Usul wa A'zam Abhathiha* (Terminologies of Principles and Most of its Discussions), Volume 1, Fifth Edition, (Qom: Nashr al-Hadi, 1992).

Mozaffar, Mohammad Reza, *Usul al-Fiqh* (Principles of Jurisprudence), Volume 1, Fourth Edition, (Qom: Center for Publications of the Islamic Propagation Office of the Seminary, 1991).

Mozaffar, Mohammad Reza, *Usul al-Fiqh* (Principles of Jurisprudence), Volume 2, Fourth Edition, (Qom: Center for Publications of the Islamic Propagation Office of the Seminary, 1991).

Najafi, Mohammad Hasan, *Jawahir al-Kalam* (The Gems of Speech), Volume 37, Seventh Edition, (Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1983).

Qomi, Mirza Abulqasim, *Jame' al-Shatat* (The Comprehensive Collection), Volume 3, First Edition, (Tehran: Keyhan, 1992).

Rashti, Mirza Habibullah, *Kitab al-Ghasb* (The Book of Usurpation), First Edition, (Tehran: Shahid Motahhari Higher School, 2009).

Sadr, Sayyid Muhammad Baqir, *Duroos fi 'Ilm al-Usul* (Lessons in the Science of Principles), Volume 5, Second Edition, (Beirut: Dar al-Kitab al-Lubnani, 1986 AD / 1406 AH).

Subhani, Sheikh Ja'far, *Al-Mujaz fi Usul al-Fiqh* (The Concise Principles of Jurisprudence), Volume 1, Fourteenth Edition, (Qom: Imam Sadiq (AS) Institute, 2008 AD / 1429 AH).

Tabatabaei Haeri, Sayyid Ali bin Mohammad Ali bin Abi al-Ma'ali, *Riyadh al-Masa'il* (The Gardens of Issues), Volume 14, First Edition, (Qom: Islamic Publishing Institution of the Assembly of Scholars, 1991 AD / 2222 AH).

Toghraeli Pour, Ahmad, "A Reflection on Sheikh Ansari's Arguments on the Principle of Non-Authority of Assumption," *Journal of Jurisprudential Research*, Volume 19, Issue 71, (2012).

English

S. Clarck, David, Encyclopedia of Law and Society: American and Global Perspectives, First Edition, (New York: SAGE Publications, 2007)

Gurvitch, Georges sociology of law, First Edition, (London: Routledge, ۲۰۰۱)

Cotterrell, Roger, Emmanuel levy and legal studies; available at: https://www.cairn.info/load_pdf.php?ID_ARTICLE=DRS_056_0131

P. S. Atiyah, The Rise and Fall of Freedom of Contract, (London: Oxford University Press, 1985)

Craig, Paul, legitimate Expectation A conceptual Analysis, (London: law quarterly Review, 1992)

Feltham, Piers and others, Spencer Bower: Reliance-Based Estoppel, Fifth Edition, London: Bloomsbury Publishing, 2017)

Stone, Richard, The law of Modern Contract, Fifth Edition, (London: Cavendish publishing limited, 2015)

Elliott, Catherine, Frances Quinn, Law Of Tort, 11th edition, (London: Pearson Longman, 2017)

#استناد به این مقاله: صفایی، سید حسین و باخدا، دانیال. (۱۴۰۳). قاعده حمایت از اعتماد مشروع و تطبیق آن با اصل ظهور. پژوهش حقوق خصوصی، (۴۶) ۱۲، ۱-۳۲.

doi: 10.22054/jplr.2024.78388.2820



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.